

راگه؛ دالان دیوها

هدی رضوانی پور

گزارش

حتماً اسمش را شنیده‌اید؛ دره راگه. دره‌ای به ارتفاع ۷۰ متر، برابر با یک برج ۳۰ طبقه! دره دور و درازی در دل دشت پهن رفسنجان که مثل مار بر بیکر این دشت می‌خزد و جلو می‌رود. این را وقتی متوجه می‌شوید که تصاویر هوایی راگه را ببینید. یک مار خیلی بزرگ، دل دشت را شکافته و به جایی می‌رود که مقصدش ناپیداست.

دره‌ای با تاریخ ۲۰ هزار ساله

برای رسیدن به دره راگه ۲۰ کیلومتر از رفسنجان فاصله می‌گیریم. راگه در جنوب شرقی رفسنجان واقع است و آن طور که راهنما می‌گوید از خروجی رفسنجان به سمت روستای ناصریه می‌رویم و پس از آن با طی ۸ کیلومتر به سمت غرب، راگه زیبا در برابرمان نمایان می‌شود.

اگر از قیل راگه را شناسید محال است بتوانید حدس بزنید این دشت صاف چه شگفتانه‌ای برایتان تدارک دیده. اما همین که چشمتان به جمال راگه روشن شود و پایتان خنکای آب «گیوَدَری» را حس کند، نظرتان در مورد این بهشت کوچک کاملاً عوض خواهد شد. راگه را باید با تیم کوهنوردی، راهنما و امکانات کافی ببینید. پدیده‌ای فوق‌العاده زیبا و بکر که سبب می‌شود انگشت حیرت بر دهان بگزدید از این همه جلال، عظمت و زیبایی در دل کویری که سراسر خشکی است.

برای ورود به راگه از یک دهانه باریک، پایمان را داخل آب خنک مایل به یخ می‌گذاریم. حس سرمای خاصی زیر پوستم می‌خزد، از سر انگشتان پاهایم بالا می‌آید و تمام وجودم را در بر می‌گیرد. باورم نمی‌شود با آن آفتاب مستقیم کویر، گیوَدَری چنین آب خنکی را پیشکش ما کند. راهنما روبه‌رویمان ایستاده تا از راگه برایمان بگوید: «دره عظیم و پهناور راگه ۱۸۰ متر عرض، ۷۰ متر عمق، ۲۰ کیلومتر طول و ۳۶ هزار هکتار مساحت دارد و قدمت آن به ۲۰ هزار سال پیش می‌رسد». یک تاریخ ۲۰ هزار ساله را در ذهن تصور می‌کنم که اتفاق‌های گوناگونی را به خود دیده و در برابر قهر و لطف طبیعت مقاومت کرده تا اکنون به ما برسیده. کمی جلوتر می‌رویم و راهنما ادامه می‌دهد: «دره راگه یک پدیده زمین‌شناسی است که بر اثر فرسایش آبرفتی در کویرهای حاشیه رفسنجان شکل گرفته و چند سال پیش در پی اکتشافات معدنی در این پهنه کشف شده». همراه سایر هم‌نوردان در دل راگه زیبا پیش می‌رویم. پاهایمان درون آب خنک است و شن و ماسه و سنگریزه‌ها بر پاهایمان بوسه می‌زنند.

آن طور که راهنما می‌گوید برای راگه‌نوردی باید قسمتی از این دره را در میان آب برویم و بخشی را در خشکی طی کنیم. همان طور که چشمانم زلالی آب رودخانه را رصد می‌کند، آرام سرم را به آسمان می‌برم، از ارتفاع ۳۰ طبقه‌ای دره راگه مثل یک برج بالا می‌روم و قسمتی از آسمان را که میان دو شکاف دره گرفتار شده از نظر می‌گذرانم. آبی آسمان درست هم‌رنگ آبی رودخانه زیر پایم است. انکار دیواره‌ها دو آینه آبی رنگ را در بر گرفته‌اند و به هر کدام از آینه‌ها نگاه کنی، تصویر قدرت خداوندی را در آن می‌بینی.

پهنای دره در بعضی جاها خیلی باریک می‌شود. اگر سابقه کوهنوردی نداشته باشید کمی برایتان سخت است از این پهنای عبور کنید. در برخی جاها باید دست به صخره‌ها بگیرید تا پایتان لیز نخورد و در آب غوطه‌ور نشوید. راگه همان قدر که ترسناک است، همان قدر هم لذت‌بخش است. برای فتح برخی قسمت‌های دیگر، باید طناب محکم داشته باشید و دسته‌جمعی عبور کنید. خطر لیز خوردن بسیار محتمل است.

گیوَدَری، عامل فرسایش صخره‌ها

راهنما از رودخانه‌ای که آرام و بی‌صدا از زیر پاهایمان در حال عبور است می‌گوید: «گیوَدَری رودخانه دائمی است که هزاره‌های متمادی برای تراشیدن صخره‌های به این زیبایی و عظمت تلاش می‌کند». آقای باقری راگه را یک تنگه بهشتی می‌داند که در دل کویر شکل گرفته و چشم را خیره می‌کند و روح را می‌نوازد. «رودخانه گیوَدَری از میان تنگه راگه عبور می‌کند و با فرسایش دیواره‌ها، هر لحظه تصویری متفاوت اما جذاب از آن‌ها ارائه می‌دهد». دیواره‌ها آن قدر عظیم هستند که گاهی وهم برت می‌دارد که میان دو دیواره اسیر شده‌ای و هر لحظه ممکن است این دو دیواره به هم برسند و شما بین شکاف راگه مدفون شوید و شاید هزاران سال بعد، باستان‌شناسان پیکر فسیل شده شما را کشف کنند. کمی وهم‌برانگیز است اما همین که به آسمان محصور بین دو دیواره نگاه می‌کنید، حس فسیل شدن پُر می‌کشد و پُر می‌شوید از لذت تماشای آبی آسمان که گویی عکس ستاره‌های آسمان شب را در دل گیوَدَری منعکس می‌کند تا کف دره را نورباران کند.

آقای باقری از شب رؤیایی راگه می‌گوید: «راگه علاوه بر زیبایی زمینی خاصی که دارد، آسمانی پرستاره و مهیبت‌کننده هم دارد که یک شب کویری فوق‌العاده را در دل دره برایتان متجلی می‌کند. به همین دلیل است که راگه محل مناسبی برای گردشگری نجومی است و اگر تجهیزات مناسب داشته باشید، رصد ستارگان در شب راگه لذتی وصف‌ناشدنی به شما می‌دهد که توصیفش ممکن نیست».

در این سفر رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری رفسنجان هم همراهان است و از فرسایش صخره‌ها و دیواره‌های رگه توسط گیوَدَری برایشان می‌گوید: «رودخانه گیوَدَری به وسیله فرسایش آب ایجاد شده و به دلیل وزش مکرر باد، تغییر شکل داده. ماسه بادی‌هایی که وزش باد از کف رودخانه بلند کرده و به دیواره دره کوبیده، فرسایش زیبایی ایجاد کرده و اشکال هندسی بدیعی که شبیه مجسمه‌های شنی هستند را پدید آورده». به دیواره‌ها نگاه می‌کنم. دقیقاً همان طور است که آقای حسینی می‌گوید. اشکال بسیار زیبایی دارد که گویی پیکرتراشی پیر، سال‌ها برای خلق آن‌ها وقت گذاشته و با دقت و وسواس آن‌ها را در دل این دشت وسیع ایجاد کرده. آن طور که آقای حسینی می‌گوید تماشای این اشکال از کف دره بسیار زیباتر است.

گردشگران شیفته راگه می‌شوند

اگر با دقت دیواره‌های راگه را از نظر بگذرانید صخره‌هایی را می‌بینید که گاهی نوک‌تیز می‌شوند و گاهی کله‌قندی به نظر می‌رسند. نوک‌تیز مثل لبه چاقوهای زنجان و کله‌قندی مثل کله‌های قند سفیدی که در یزد دیده‌ام. این صخره‌ها در دل خود تیغه‌ها، آرک‌ها و ستون‌هایی دارند که حاصل فرسایش صخره‌ها توسط باد هستند. کمی که پیش می‌رویم برای استراحت روی تخته‌سنگ‌هایی می‌نشینیم که دو طرف گیوَدَری وجود دارند. مثل صندلی‌های صیقل یافته می‌مانند تا میهمانان راگه رویشان استراحت کنند و نگاهی به اطراف بیندازند و از این همه زیبایی بکر لذت ببرند. گیوَدَری پیکرتراش ماهری است که هر لحظه و هر ثانیه مشغول تغییر شکل صخره‌های این دره است و اگر شما با فاصله یک ساله، دو بار به دیدن راگه بیاید چه‌بسا هر دفعه با شکل تازه‌ای از این دره روبه‌رو شوید. یک ربع بعد دوباره در دل راگه به راه می‌افتیم. در گذر از باریکه‌های دره به شکاف‌ها و سوراخ‌های کوچک و بزرگی برخورد می‌کنیم که باید از میان برخی از آن‌ها عبور کنیم. هم لذت‌بخش است و هم ترسناک، که مبادا سنگی از زیر پایمان سر بخورد یا تکه‌ای از صخره‌ها بشکند و بر سرمان آوار شود. اما راگه مهربان‌تر از این حرف‌هاست و به راحتی عبور می‌کنیم. برخی از این صخره‌ها به گفته آقای باقری، طبیعی هستند اما برخی دیگر در گذشته‌های دور توسط انسان‌ها ساخته شده‌اند و ارتفاع آن‌ها